

چهل دخترِون

(رمان)

مژگان مظفری

م. آرام



ناشر برگزیده ویژه سال ۱۳۹۲

سرشناسه : مظفری، مرگان - آرام، م
عنوان و نام پدیدآور : چهل دختر و ن (رومان) / مرگان مظفری - م. آرام
مشخصات نشر : تهران: آموت، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۵۰۴ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۰۵-۶۸-۵
وضعیت فهرست‌آوری : فیا
موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره : ۹۱۳۹۳ ج ۶۶ ظ / PIR ۸۲۱۱
رده‌بندی دیویی : ۸۵۳ / ۶۲
شماره‌ی کتابشناسی ملی : ۳۴۹۶۶۴۶



ناشر برگزیده ویژه سال ۱۳۹۲

چهل دختر و ن

(رومان)

مرگان مظفری - م. آرام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

حروفچینی: شهر

نمونه‌خوانی: مینا فرش‌ای احمدی - رکسانا تقوی

لیتوگرافی و چاپ: ترانه

نشر آموت

تلفن: ۶۶۴۹۹۱۰۵ - ۶۶۴۹۹۲۳

تلفن همراه: ۰۹۳۶۰۳۵۵۴۰۱

پست الکترونیکی: aamout@gmail.com

وب سایت: www.aamout.com

اینستاگرام: www.instagram.com/aamout

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

978-600-6605-68-5

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۰۵-۶۸-۵

پیش پرداخت

یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود، غیر از خدای مهربون...
گمانم خیلی ها هنوز خوب یادشان هست این جمله را که مادر بزرگها و پدر بزرگها در آغاز هر قصه، برای نوه‌هایشان نقل می‌کردند. در حالی که برای بزرگ‌ترها هم سهمی در آن محفوظ بود. پای دیوار قلعه‌ها، توی سینه کیش آفتاب نشستن‌ها، پای کرسی لمیدن‌ها و...
حالا اما، جهان دارد پوست می‌اندازد و با سرعت به سمت تجدد و مدرنیته شدن می‌رود. فرهنگ‌های قومی و قبیله‌ای، اولین قربانیان این دگرگونی هستند. برج‌های عجیب و غریب، جای خانه‌های حوض دار بزرگ با اتاقک‌های تودرتو را گرفته‌اند. ماشین‌های شیک با سرعت بالا، جایگزین چهارپایان و درشکه‌ها شده‌اند. اینترنت شده یکی از ملزومات شخصی هر فرد. بازی‌های کامپیوتری، سرگرمی شبانه‌روزی بچه‌ها. با این که وسایل ارتباط جمعی آمده و راه‌ها نزدیک‌تر شده‌اند، اما مردم «دور و غریبه و منزوی‌تر!». هیچکس زبان دیگری را نمی‌فهمد! فکرها و اندوه‌ها، جایگزین شادی‌های روزمره‌ی آدم‌ها شده. دیگر از آن شب‌نشینی‌های پرتب و تاب خبری نیست، از قصه‌ی شاه پریان و پسر پادشاه هم. حالا هر کسی در انزوای خود، قصه‌ی واقعی زندگیش را دارد و سر در لاک خویش، به سوی فرسوده‌تر شدن می‌رود. دیگر از آن باورهای قومی و قبیله‌ای، کمتر در کره‌ی

خاکی دیده می‌شود. فرهنگ‌های قدیم، زیر چکمه‌های فرهنگ‌های نو، گرفتار شده‌اند و در حال جان‌کندن هستند!

در این گذار، ادبیات فولکلور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. با این که کشور ما نسبت به جهان با سرعت کمتری در حال دگرگونی است، اما فرهنگ پرزرق و برق غرب، بر سنت‌های کهن ما غالب شده و به قول معروف: «همراه هر کسی، شده تلفن همراه او!» بی آن که جوانان امروز بفهمند تنها در چند ده سال قبل، زندگی پدرها و مادرهایشان بر مبنای چه اصولی استوار بوده دیگر از بوی کاهگل خبری نیست. از ده کوره‌ها هم چشمه‌ها خشکیده، حیات وحش در حال زوال است. هوای معصوم روستاها مسموم شده و...

با این همه، هنوز معدود کسانی هستند که اصالت‌های آبا و اجدادی خود را به فرهنگ‌های مسحورکننده‌ی تو خالی! ترجیح می‌دهند. ما بر آن شده‌ایم تا در این کتاب، نمایی از دو فرهنگ غنی و ریشه‌دار نه‌چندان دور ایران را در قالب روایتی متفاوت به تصویر بکشیم. روایتی که نمایانگر اضمحلال تدریجی فرهنگ‌های قومی و قبیله‌ای نیز محسوب می‌شود.

این مجموعه را در ادامه، تقدیم می‌کنیم به تمام کسانی که هنوز به فرهنگ‌های بومی منطقه‌ی خود پایبندند و اصالت‌شان را حفظ کرده‌اند. باشد که قطره‌ای ناچیز از اقیانوس پهناور سنت‌های رو به فراموشی ایران را برای نسل‌های بعد به یادگار بگذاریم.

بالا بودیم... دوغ بود، پایین آمده‌ایم... ماست است. قصه‌ی ما...!!

مژگان مظفری - م. آرام